

استقبال گرم ارتش از پیوست آذربایجان به مام وطن!

۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ ساعت ۱۸:۰۸

در زمان جنگ جهانی دوم زمانی که متفقین روبروی آلمان و دیگر دول محور، ایستادند، برای کمک رسانی به روس ها در جریان حمله آلمان به شوروی، ایران را به اشغال خود درآوردند و اینگونه بود که سربازان آمریکایی، انگلیسی و روسی وارد ایران شدند و هریک گوشه ای از خاک را به اشغال خود درآوردند.

جوان و تاریخ- تاریخ شفاهی

تاریخ ایران زمین روزهای سخت و دشوار بسیاری را به خود دیده است. از جمله این روزها، در تاریخ معاصر ایران، وقایعی است که به بحران آذربایجان شهرت یافته است. بحران آذربایجان به اشغال این بخش از کشور توسط نیروهای ارتش سرخ شوروی، در جریان جنگ جهانی دوم اشاره دارد.

در زمان جنگ جهانی دوم زمانی که متفقین روبروی آلمان و دیگر دول محور، ایستادند، برای کمک رسانی به روس ها در جریان حمله آلمان به شوروی، ایران را به اشغال خود درآوردند و اینگونه بود که سربازان آمریکایی، انگلیسی و روسی وارد ایران شدند و هریک گوشه ای از خاک را به اشغال خود درآوردند.



زمانی که دول محور شکست خوردند و در مقابل متفقین در جنگ به پیروزی رسیدند، دو دولت آمریکا و انگلیس نیروهای خود را از ایران خارج کردند؛ اما همگان می دانستند که خروج نیروهای روسی کاری دشوار خواهد بود. اینگونه نیز شد. روس ها حاضر نبودند ایران را ترک کنند و خروج آنها از ایران به فرایند سخت و نفسگیری تبدیل شد. آنچنان که سرانجام روسها طی مذاکرات فشرده با ایرانیان از یک سو و فشارهای بین المللی حاضر به خروج از ایران شدند.

در این میان اگرچه کسانی چون پیشه وری و ایادی آنها از اشغال آذربایجان سود می جستند، اما مردم آذربایجان با توجه به تعلقات خود به فرهنگ و جامعه ایران، تمایل زیادی به حل هرچه زودتر مناقشه و بازگشت به مام وطن داشتند. این مسئله عدم ایستادگی آذربایجان در مقابل ارتش ایران خود را نشان می دهد.

«قوام چند روز پیش از آغاز عملیات نظامی، طی تلگرافی خطاب به سلام الله جاوید، استاندار آذربایجان، خاطرنشان ساخت که اعزام ارتش [به منظور نظارت بر انجام انتخابات صورت می گیرد و مقاومت در برابر آن اقدامی ضدقانونی تلقی می شود. تلگرافی نیز به همین مضمون از جانب او خطاب به شبستری، رئیس انجمن ایالتی آذربایجان، ارسال شده بود. جاوید و شبستری، بدون کمترین مقاومتی در برابر تهدید قوام عقب نشستند. شبستری در پاسخ به این تلگراف، با اشاره به «حسن نظر جناب اشرف» اعلام کرد:

«به اولیای امور استانداری دستور داده شد که از هرگونه تصادمی که منجر به بردارکشی می شود جلوگیری و برای ورود قوای دولتی تسهیلات لازم به عمل آید تا وحدت و استقلال و تمامیت ارضی ایران عزیز تامین گردد.»

قوام در مقابل، ضمن ارسال تلگرافی، ضمن ابراز خرسندی از «تصمیم عاقلانه ای که در ترک هرگونه مقاومت در مقابل ورود به استقرار ارتش ایران و قوای دولتی در آذربایجان» از جانب فرقه اتخاذ شده بود، برای رفع هرگونه نگرانی اعلام می کند «تمام اهالی آذربایجان باید خود را در پناه ارتش ایران مصون دانسته، بدانند که آزادی و آسایش آنها مطابق قوانین مملکتی در امان است.»^[۱]

در عمل اما اتفاقات دیگری روی داد. اگرچه مردم آذربایجان در مقابل ارتش شاهنشاهی مقاومت نکردند؛ اما ارتش چنان انتقامی از مردم آذربایجان گرفت که هیچ دشمنی با مردم و ملتی دیگر آنچنان برخورد نمی کرد:

«دریغ آنکه در پی سقوط فرق، ارتش شاهنشاهی با آذربایجان رفتاری به غایت داشت و از مهر و شفقتی که قوام از آن سخن گفته بود، جزء اجسادى که هنوز تا ماهها در میدان های شهر به دار آویخته شده بودند، نشان دیگری بر جای نبود.»^[۲]

این بود دستمزد مردم آذربایجان برای استقبال از ارتش شاهنشاهی و البته قدرت نمایی شاه و ارتش در برابر مردمی که اسلحه نداشتند.

پی نوشت ها:

[۱] حمید شوکت، در تیررس حادثه: زندگی سیاسی قوام السلطنه، ویراست دوم، تهران، اختران، ۱۳۸۵، چاپ سوم، ص ۲۷۰

[۲] همان، ص ۲۷۴

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۹۸۴/استقبال-ارتش-گرم-استقبال>